



۲۰۱۹/۰۶/۰۲



ماهرخ عباسی

جای خالی بانوی اول در تاریخ افغانستان



از چپ به راست: ملکه ثریا، همسر امیر امان الله خان – از بالا به پائین: ملکه حمیرا، همسر محمد ظاهر شاه – میرمن زینب، همسر سردار محمد داود خان – میرمن رولا، همسر داکتر محمد اشرف غنی

نقاشی های بانوان اول افغانستان در نمایشگاه هفته گذشته سه بانوی نقاش افغان در مقر پارلمان اروپایی بسیار توجه برانگیز بود.

رأی‌زنی در مورد زنان در تاریخ مذكر افغانستان قابل انتظار نیست چون تاریخ را تا کنون در افغانستان مرد ها نوشته و تازه چشم امیدی است که زنان پژوهشگر از کارنامه هایی بنویسند که حالا در تاریخ سیاسی کشور های دیگر کشف می‌شود که تاریخ مذكر نیست.

بانوان اول افغانستان کی ها بودند و چقدر در موردشان شناخت داریم؟

بسیار کم. در افغانستان این بانوان کمتر شناسا بوده اند و درخشش چشمگیری مثل کشور های دیگر جهان نداشته اند و به حکم سنت معمول ملکه های ما یا در حرمسراها اسباب عشرت شاهان و امیران را فراهم کرده اند یا در گمنامی روزگار به سر برده اند یا هم خود قربانیان و مطیع سیاه بختی های روزگار و برده گان کاخ ها بودند که باید رنج چند همسری را نیز متحمل می شدند.

کسی تا کنون واقعات حرم سرا های افغانستان را تحریر نکرده تا بدانیم چه راز های سر به مهری بوده به ویژه زمانی که مقام بانوی اول به چند زن و گاهی زنان بسیار تعلق می گیرد و امیری برای عشرت و شهوت رانی اش بیش از ۱۰۰ زن را در حرمسرا به عنوان همسرانش نگه می دارد.

ما به درستی و روشنی کامل نمی دانیم همسر احمدشاه ابدالی کی بود و چه نقشی در زندگی سیاسی او بازی کرده؟ همسر و همسران شاهان افغانستان در قرن نهم چگونه راز هایی در دل تاریخ گذاشته اند؟ به صورت عمومی زنان در بسیاری از خانواده های افغانستان تا زمانی که مسن نشده اند و در نقش مادر بزرگ (مادرکلان) قرار نگرفته اند کمتر مورد اکرام اند و از آنها کمتر ذکر نامی در خانواده ها نیست و پس از آن است که گاهی در برخی خانواده ها مورد ارج قرار میگیرند.

ما در مورد امیر حبیب الله خان می دانیم که به یک روایت ۱۱۴ زن داشت. از یکی از زنان دربار که مسوولیت تنظیم روتا یا جدول خدمت گزاری شبانه زنان حرم را تنظیم می کرد، نقل شده که او هر شب ۳۰ زن را برای عشرت امیر مامور خدمت می کرد تا تسکین جنسی آن امیر فراهم شود. امیر چگونه می توانست به این همسران رسیدگی کند و سرنوشت زنان بی شمار حرم به کجا می انجامید؟

ملکه ثریا

و در مورد پسرش شاه امان الله آنچه روشن است که به یک همسری و نوعی عشق شاهانه پابند ماند و همسرش ملکه ثریا را در خور تعلیم و تربیتش منزلت و موقف بانوی اول بخشید.

ملکه ثریا که نامش با کارنامه درخشان اثر گذاری در دربار و دیوان رقم خورده است. او صاحب رسوخ و نفوذ بر زنان همعصرش نه تنها در پایتخت کابل که در منطقه بود و از آموزش و تجربه زندگی در غرب فیض برداشته و از موهبت پدرش محمود طرزی بهره مند بود.

بی بی سنگری

همسر امیر حبیب الله کلکانی، بی بی سنگری که شوهرش نه ماه قدرت را در دست داشت و در تاریخ، آن را به سال های اغتشاش و نافرمانی پس از استقلال افغانستان می دانند، در یک مصاحبه ای که نسخه ای از آن را من در اختیار دارم، به حقیقت تلخ چند همسری حاکمان و امیران اشاره دارد که در آن روزگار خوانین آزمند برای تقریب به دربار، دختران جوان شان را به نام شاه عقد می کردند و پشت قصر سلطان می فرستادند.

او چند مورد را ذکر می کند که عروس های جوانی با گادی پشت در ارگ فرستاده شده بودند. او می گوید روزگار سخت حبیب الله، روزگار کوتاه عشرت با ملکه های جوان بود.

چند همسری

شاهان، چند همسری را بهانه ای برای وحدت اقوام کشور می پنداشتند یک اصلی غیر سالم و جفاکارانه در حق زنان است و در واقع پوششی برای عشرت و تنوع در داشتن زنان است.

از ملکه حمیرا همسر محمد ظاهر شاه آنچه را به یاد دارم که او در دوران دموکراسی نوپای افغانستان همراکاب شاه دیده میشد و روزنامه ها و مجلات کشور عکس های او را در سفرها و دیدارهای تشریفاتی در داخل و خارج افغانستان نشر می کردند. یکی از پورتره های نقاشی شده توسط تهمینه تومیریس در نمایشگاه نقاشی، مرا به یاد عکس هایی از ملکه انداخت که در پشتی و گاهی متون مجلات معتبر در صفحه اول آن زمان نشر می شد و در برخی دفترها نیز در کنار عکس ظاهر شاه آویزان می بود.

آن وقت که افغانستان تجربه های نیمبندی در دموکراسی را می آموزد به نظرم نفس این عمل حضور ملکه در شهر و زندگی بسیار متهورانه بود.

شاهدخت‌ها نیز آن زمان در حصار دیوارهای ارگ محصور نبودند و نقش‌های نمادین در امور مملکت داشتند. آنها الگویی برای زنان شهری عمدتاً در پایتخت بودند و با استفاده از فرصت سفرهای اروپا معرف زندگی مدرن در حلقه دختران جوان حلقه‌ها حاکم به حساب می‌آمدند.

جمهوریت

اما با تأسیس جمهوری در ۱۳۵۲ همسر محمد داوود نقش فعال کمتری داشت. زینب داوود بانوی اول مملکت بود، اما ملکه نبود و به تبع رعایت همسرش محمد داوود که شخص منضبط و سختگیر بود، بانوی اول از خطوط قرمز فراتر پا نمی‌نهاد.

بانوان دوران کودتاه

یکی از بانوان دیگری که نقش فعال اجتماعی بازی می‌کرد، محبوبه کارمل بود. او نیز مانند ملکه حمیرا که حامی نهادهای خیریه و مؤسسه نسوان یا «د میرمنو تولنه» بود، در رأس یک نهاد خیریه قرار داشت و از کودکان یتیم در دوران جنگی که هر روز ده‌ها کودک را بی سرپرست می‌کرد قرار داشت. محبوبه کارمل همسر ببرک کارمل از رهبران حزب دموکراتیک خلق بود که پرورشگاه‌های وطن را ریاست می‌کرد.

پیش از او همسران نورمحمد تره‌کی و حفیظ‌الله امین که رهبران حزبی بودند و پس از کودتا، روی کار آمدند نقش محسوس سیاسی نداشتند و در حصار کاخ و امور منزل محدود بودند.

همسر داکتر نجیب‌الله رییس جمهور پیشین افغانستان یک آموزگار بود و نشانه‌های دخالت او در سایر امور وجود ندارد و در کنار همسرش در محضر عام نیز دیده نمی‌شد.

بانوان اول مجاهد

درباره همسران رهبران مجاهدین که پس از ۱۹۹۲ روی کار آمدند، کمترین اطلاعات داریم، فقط سخنانی وجود دارد که همسر برهان‌الدین ربانی، زن با نفوذی و مدبری بوده و گاهی تشبیه‌های پشت پرده داشته است، ولی روشن نیست که او چه صلاحیت داشت و نفوذش در جمعیت اسلامی چگونه بود؟

اما در مورد دختران رهبران جهادی چشم‌اندازی بهتری به وجود آمد. همین اکنون برخی از آنها دارای تحصیلات عالی و در موقف‌هایی دولتی یا خصوصی مشغول کار اند.

بانوی اول دوران طالبان را نمی‌شناسیم، همسر ملامحمد عمر نقشش تعریف شده بود و نیاز به توضیح ندارد. طالبان به چیزی کمتر از بودن زن در حصار خانه و زاد و ولد راضی بودند و حتا از شنیدن صدای پای زنان با عذاب می‌شدند.

متأخرین

نقش دو بانوی دوران دموکراسی متأخر، زینت کرزی و رولاغنی چگونه بوده است؟

حامد کرزی با روش خاص زمامداری اش همسرش را کمتر مجال حضور در مجالس حکومتی می‌داد، خودش ترجیح می‌داد چنین باشد. هر چند همسرش در محل اقامت رییس جمهور دعوت‌هایی برگزار می‌کرد و میزبان زنان مقامات عالی‌رتبه دولتی می‌بود. رییس جمهور کرزی می‌گفت که همسرش داکتر طب است و به دلیل تعزیرات امنیتی اجازه نمی‌داد که او در جایی کار کند.

رولا غنی که زن تحصیل کرده متشبه است و از اول ریاست جمهوری همسرش برای خود جای پا باز کرد، چون رییس جمهور غنی در سخنرانی نخستینش برای او جای پای باز کرد و او را بی بی گل خواند. رولا غنی آهسته آهسته از نقاب بیرون شد و نشان داد که متهورتر از آن است که بانوان اول پیشین بوده اند. او مجری برنامه های هدفمند برای اعتلای نقش زنان شد.

رولا غنی برای نخستین بار دفتر خاص بانوی اول را تأسیس کرده و به ایجاد یک تیم کاری از میان زنان نخبه پرداخت. کاری که از اقبال خوبی برای به دست آوردن وجوه مالی از خارج کشور برخوردار شد و برنامه «پروموت» یا رشد زنان را عملی می کند که در توانا کردن و بالا بردن ظرفیت زنان در رهبری نهادهای دولتی طرح هایی را اجرا می کند.

بانوان جهان

واژه «بانوی نخست» برای نخستین بار به وسیله دوازدهمین رییس جمهور ایالات متحده امریکا، زکری تیلور، در سال ۱۸۴۹ به کار رفت. در مراسم خاکسپاری همسرش، دالی مدیسن، برای توصیف او این واژه را به کار برد.

مقایسه نقش بانوان اول افغانستان با بانوان اول کشورهای جهان در ۱۰۰ سال گذشته بیانگر یک حقیقت است که بانوان اول افغانستان فاقد شناسایی رسمی ظرفیت های کاری و توانایی شان از سوی همسران شان بوده اند و هیچ پادشاهی شاید نخواست که بانوی اول را طوری تربیت کند که دوشادوش او در کار رهبری کشور نقشی بازی کند و نمونه ای برای زنان کشور شود. اراده و توانایی سیاسی برای این کار کمتر بوده است.

در یک نظام مبتنی بر اصول دموکراسی انتظار می رفت زنان برخی مقام های دیگر نیز نقش فعالتر اجتماعی به عهده می گرفتند و به عنوان بانوان پیشتاز دستکم الگویی برای خانواده ها و هزاران هزار دختران تحصیل کرده می بودند. در چند سال اخیر کسی نمی داند همسران سایر مقام های عالی دولتی چه می کنند و کجا هستند، البته گفته می شود تعدادی از آنها با خانواده در خارج از کشور به سر می برند.

بانوان اول در کشورهای منطقه و کشورهای غربی نقش های متفاوتی را بازی کرده اند، ولی در تجربه کشورهای همسایه، پاکستان، هند و بنگلادیش، دختران رهبران سیاسی برای نقش های کلان تری دست و پا کرده و با استفاده مثبت از موقعیتی که یافته اند، تا راهیابی به مقام رهبری کشورها پیش رفته اند. ایندرا گاندی، بینظیر بوتو و شیخ حسینه نام های برجسته در منطقه در سیاست و حیات اجتماعی این کشورها اند.

در غرب هیلاری کلنتن بانوی اول در (۲۰۰۱-۱۹۹۳) تا مقام وزارت خارجه و به عنوان نخستین نامزد زن حزب دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ و ۲۰۱۶ ریاست جمهوری امریکا رقابت کرد.

تجربه دموکراسی آلمان انگلا مرکل را ایجاد کرد. زنی قدرتمند که طولانی ترین دوره قدرت و رهبری را در قدرتمندترین کشور صنعتی در غرب سپری می کند. او از پیش آهنگی در آلمان شرق تا رهبری در آلمان غرب رسید.